

سایه‌های اسطوره‌در سویه‌های تاریخ‌نگار

● مرضیه سلیمانی



■ **Mythistory: The Making Of Modern**

Historiography

■ **Author:** Joseph Mali

■ **Publisher:** University of Chicago press

■ **Language:** English / 328 Pages

استوپره معمولاً داستان کهن از رویدادهای به ظاهر تاریخی است که هدف آن، آشکارسازی گوشاهای از دیدگاه جهانی یک ملت یا بین یک رسم، باور یا پدیده‌ای طبیعی است. تعبیر و تفسیر استوپرهای نیز در حوزه اساطیرشناسی است که در آن، سخن از تاریخ استوپرهای خدایان و نفسیرو توضیح مجموعه اساطیری است که به خدایان، نیم خدایان و قهرمانان افسانه‌ای می‌پردازند و معمولاً متنصر عناصر فسق طبیعی‌اند. درباره منشاء استوپرهای سه نظریه وجود دارد:

- ۱- نظریه طبیعت: که استوپرهای را زاییده کوشش بشر ابتدایی برای تبیین پدیده‌های طبیعی می‌داند.
- ۲- نظریه روان‌کاوی: که بر اساس آن استوپرهای نمادی از نمادهای عینی کشمکش‌های جنسی یا عاطفی‌اند.
- ۳- نظریه مردم‌شناسی: که معتقد است استوپرهای به منظور روایت، تبیيت، تدوین، توجیه و تحکیم آداب و رسوم ابتدایی، آیین‌های عبادی و ارزش‌های مذهبی و اخلاقی پدید آمده‌اند. بر طبق این نظریه، استوپرهای روایت احیای واقعیت‌های باستانی است که برای اراضی خواسته‌های عمیق مذهبی، آرمان‌های اخلاقی، سازگاری اجتماعی و حتی نیازهای واقعی بشر بازگو می‌شود. استوپرهای کارایی مناسک مذهبی را تضمین می‌کند و حاوی احکام سودمندی برای راهنمایی بشر است.

به طور کلی استوپرهای افسانه‌های به ظاهر تاریخی و مجھول‌المؤلفاند، ریشه در ذهن مردمان ماقبل تاریخ دارند. در مجموعه این استوپرهای داستان پیدایش جهان، آفرینش نوع بشر، جشن‌ها و ضیافت‌های خدایان یا قهرمانان، یا تراژدی‌های خانواده‌های کهن روایت می‌شوند. در واقع سه موضوع خدا، عالم و آخرت مورد بحث اساطیر است. استوپرهای برای ادراک و ذهنیت ابتدایی به تبیین و توضیح پدیده‌های طبیعی می‌پردازند اما از میانه سده نوزده با افزایش داشت علمی، این نقش کمتر نگتر شد تا امروز که استوپرهای صرفاً داستان‌های تخیلی شناخته می‌شوند.

در یونان باستان، واژه استوپرهای برای نامیدن هرگونه قصه و حکایتی به کار می‌رفت، خواه واقعی و خواه خیالی. اما در حال حاضر، استوپرهای مجموعه‌ای از داستان‌ها و حکایات قدیمی و خیالی اطلاق می‌شود که زمانی مردمی خاص آن را واقعی می‌پنداشته‌اند. این داستان‌ها، اغلب توجیه و پاسخی بوده‌اند به سوالات بی‌شمار مردمان باستان در باب چیزی‌که پیدایش عالم و قوانین موجود در طبیعت. و باید افزود که اشکال متعددی

کوچکتریس واحد آوایی در زبان است، اسطوراج نیز واحد ساختمانی اسطوره و کوچکترین جزء تشکیل دهنده آن به شمار می‌رود. یعنی اگر داستان اسطوره‌ای را بیانی به بخش‌های ساده‌تر و کوچک‌تر تقسیم کنیم، سرانجام به عبارتی می‌رسیم که تجزیه فراتر آن دیگر عملی نخواهد بود زیرا با این کرد چیزی از داستان نخواهد ماند.

چنین عبارت تجزیه‌نایدزیری اسطوراج خواهد بود.^۱ برخی پژوهشگران نیز معتقدند که هر یک از مکاتب اسطوره‌شناسی به یک جنبه اساطیر می‌پردازد و از یک دیدگاه و پیشه به آن نگاه می‌کند و... تلفیقی از این تئوری‌ها در مورد اساطیر، نظری از همه محتاطانه‌تر است. به گمان آنان اساطیر آن نیست که فقط فروید و یونگ می‌گویند. مثلاً ما مکتب اسطوره و آینین را داریم. مکتب فراتسوی اسطوره و رابطه آن با علوم اجتماعی را داریم که مالنیوفسکی نماینده آن است. مکتب پان باپلینیسم^۲ یعنی طرفداران بابل‌شناسی را داشته‌ایم که فکر می‌کرد تمام اساطیر و آینین‌های دل مختلط از بین النهرين سرچشمه می‌گیرد یا مکاتبی که معتقد بودند همه اساطیر از مصر آمده‌اند. همچنین نظر محققانی مثل کریمر، اوینه‌ام، دومزیل، الیاده و دیگران هم هست:^۳

بیوند اسطوره و تاریخ

حوادثی که در اسطوره نقل می‌شود، همچون داستان واقعی تلقی می‌گردد زیرا به واقعیت‌ها برگشت داده می‌شود و همیشه منطقی را دنبال می‌کند. اسطوره گاه به ظاهر، حوادث تاریخی را روایت می‌کند اما آن چه در این روایتها مهمن است، صحبت تاریخی آن‌ها نیست بلکه مفهومی است که شرح این داستان‌ها برای معتقدان آن‌ها دربردارد. اسطوره‌های نیمه‌تاریخی اما، عبارت است از تحول و تکامل حوادث و وقایع ابتدایی و همچنان شرح کارهای فوق العاده‌ای که به دست آدمیان زور مند انجام گرفته و اندک اندک شاخ و برگ یافته و به صورت داستان‌هایی پر از عجایب و غرایب درآمده‌اند. از این نظر، اسطوره‌هم با حکایت‌هایی که از زبان حیوانات نقل می‌شود متفق است و هم با افسانه‌ها.^{۱۰}

در حقیقت، اساطیر چنان با تاریخ آمیختنی است که حتی در دوران تاریخ احوال کسانی چون اسکندر، شارلمانی، سلطان محمود، شاه عباس و ناپلئون که گاه در روایات عامه در درون هاله‌ای از اساطیر پنهان و مهمی شود. شناخت اساطیر از تاریخی در ادوار قبل از تاریخ البته دشوارتر است، اما قسمتی از اسباب و علل پیدایش اساطیر را در ادوار تاریخی نیز می‌توان یافت. تفاوت اساطیر با قصه‌های عادی در این است که روایان، آن‌ها را برخلاف قصه‌های عادی راست می‌پندارند و گویی گمان روایان قدمی آن‌ها برین بوده که آن چه در آن روایات هست، واقعاً روی داده. و همین نکته است که آن‌ها را بیشتر در مقوله روایات تاریخی وارد می‌کند تا قصه، تمثیل با روز. و انگهی اساطیر بیشتر جنبه توجیهی دارند، یعنی به قصد تهمه، حداده، اعتقاده، با... اسم. به وجود آمده‌اند.

برخی کوشش‌های اند که اساطیر را تأویل کنند؛ اما این تأویل چنان خیال‌انگیز، شاعرانه و فردی بوده که آن را حیطه تاریخ خارج می‌سازد. می‌توان گفت اساطیر - مخصوصاً در آن چه به آغاز تاریخ اقوام مربوط است - نقش و تأثیری پیچیده‌تر دارد. به عبارت بهتر، وجود انواع اساطیر، سبیده‌دم تمام تاریخ انسانیت را برآورد کرده است و حتی تیرگی و ابهام آن هنوز هم در

- از داستان‌های اسطوره‌ای وجود دارد که عمدت‌ترین آن‌ها عبارتند از:
 - ۱- اساطیری که با شروع عالم مرتبطند و سعی دارند توجیه و تصویری قابل قبول از پیدایش جهان ارائه دهند.
 - ۲- اسطوره‌هایی که به پایان جهان و نابودی آن می‌پردازند و به طرق متعدد در صدد ترسیم کامل‌تر آن هستند.
 - ۳- اساطیر مربوط به عنصر زمان و ادبیت که دوره‌های گوناگون در عالم را ارائه می‌کنند.
 - ۴- اساطیر مرتبط با احیاء و تولد مجدد هستند که در واقع چرخه متناوب حیات و مرگ را بیان می‌کنند.
 - ۵- اساطیر نمایشگر موجودات خارق‌العاده و خدایان خیالی. عروساطیر بیانگر احوالات سلاطین و انسان‌های بزرگ است.

میان تاریخ و اسطوره مرز مشخصی نیست و این خود، نشانه‌ای از دوبارگی جان آدمی است که از دیرباز میان پندار و واقیت آواره است. نیمی از روان ما آگاه و روشن و واقع‌گراست و با معیار تجربه و منطق، حقیقت می‌جودد و شیفته تاریخ است و نیم دیگر جانمان ناآگاه و تاریک و وهم‌گراست و در پنهان پندار و جادو، رویا می‌خواهد و فریفته اسطوره است. از این روست که گاه گذشتگان ایزد و اژدها را ز معاک تاریک اساطیر درآورده، با الودن نشان از هر چیز وهمناک و مینوی، از آنان پهلوان و جبار ساخته‌اند و گاه بیل و دشمنش را از تاریخ دور رانده، بر منبای نگاره‌های باستانی اسطوره‌ای، از آنان خدا و دیو آفریده‌اند. این مشکل بوده و هست و آن‌چه در ضمن پژوهش‌های مربوط به اسطوره و حمامه آن را دوچندان می‌کند، عبارت است از دخالت عاملی دیگر یعنی گرایش ذهن پژوهشگر که گاه واقع‌گرا و تاریخ‌پرداز است و هر افسانه‌ای را روایتی مغشوش از تاریخ می‌پندارد و گاه وهم‌گرا و اسطوره‌ساز است و هر گزارش حمامی - تاریخی را بازگویی منطقی شده افسانه تفسیر می‌کند.^۹

یونگ بر این باور است که مطالب و موارد اسطوره‌ها در ناخودآگاه جمعی نزدی از نهفته‌اند و شبهایت گسترده اسطوره‌ها به یکدیگر بیانگر میراثی می‌شوند که این است.^{۱۰}

از سوی دیگر، کلود لوی اشتراوس - انسان شناس فرانسوی - که اصطلاح اسطوراج^۷ را باب کرده، اسطوره را به مثابه زبان می‌داند زیرا همان طور که ساختار زبان در ناخودآگاه متکلمین به آن زبان رسوخ کرده، اسطوره‌ها نیز، به عقیده اشتراوس، از یک ساختار زیربنایی برخوردارند که در صورت ظاهرشان منعکس نیست و راویان اساطیر نیز از آن بی خبرند. وظیفه پژوهشگری که به تحلیل اساطیر می‌پردازد، یافتن این ساختار زیربنایی است. هر اسطوره بخشی از یک نظام یا دستگاه کلی است و معنای آن از رابطه‌ای که با این دستگاه دارد، مستفاد می‌شود. همان تفاوتی که سوسور در زبان‌شناسی میان زبان و گفتار قابل است، و از نظر لوی اشتراوس میان نظام کلی اساطیر و روایت‌های منفرد اسطوره برقرار است. وقتی راوی اسطوره‌ای را نقل می‌کند، این گفتار او به اسطوره هستی و معنا می‌بخشد و لی این معنا تنها در صورتی قابل درک می‌شود که زبان اسطوره را در کلیش در نظر بگیریم.

اما اشتراوس اصطلاح استطراح را با توجه به تشابهی که میان اسطوره و زبان مردی، بگزید زیرا همان طور که در زبان‌شناسی «واج» به معنی

نگاه اول اسطوره و تاریخ دو مقوله متصاد به نظر می‌رسند. مسلمان‌ها هر دو حکایت هستند، یعنی قرار گرفتن رویدادها در داستان‌های واحد و یکارچه که می‌توان آن‌ها را باز گفت. اما اسطوره حکایت خاستگاه‌ها و ریشه‌های است که در زمانی از لی اتفاق افتاده‌اند، زمانی غیر از زمان واقعی روزمره. اما تاریخ حکایت وقایع اخیر است که به تدریج تا بدانجا گستردۀ شده‌اند که وقایع گذشته را نیز در بر گرفته‌اند اما با وجود این در زمان قابل محاسبه انسانی قرار گرفته‌اند.^{۱۱}

میتیستوری، در حقیقت در هم‌آمیزی اسطوره تاریخ و یافتن فصلی مشترک برای آن‌هاست. از این منظر، میتیستوری در تاریخ‌نگاری نقشی مهم ایفا می‌کند. فی الواقع یکی از بنیان‌های تاریخ‌نگاری جدید همین میتیستوری یا تکه بر قماش درهم باف اسطوره - تاریخ است. زمانی تاریخ‌نویسی یونانی به نام یوهمروس^{۱۲} (قرن سوم ق.م) کتابی با نام تاریخ مقدس نگاشت و در آن جا عنوان کرد که خدایان یونان باستان در اصل فرمذروایان و پهلوانانی بوده‌اند که چون کارهای قهرمانی و عجیب انجام داده‌اند، در ذهن مردم جنبه خدایی یافته‌اند. بر این اساس، اگرچه مفهوم میتیستوری به تازگی در محافل روشنگری و در میان مورخان جدید مورد توجه قرار گرفته؛ از روزگاران کهنه در اندیشه تاریخ‌نگاران وجود داشته و این حاکی از پیوند نزدیک تاریخ و اسطوره است. پیوندی که گاه چنان عمیق است که تفکیک این دو از یکدیگر را دشوار می‌سازد.

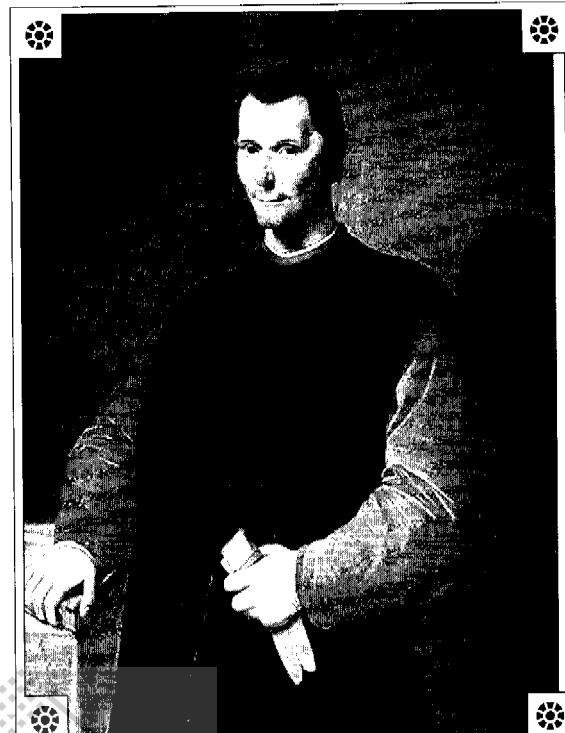
اکنون انتشارات دانشگاه شیکاگو کتابی مهم و سبتاً مفصل را در همین زمینه به چاپ رسانده؛ اسطوره - تاریخ؛ برخشن یک تاریخ‌نگاری مدرن عنوان کتابی است که ژوف مالی در ۳۲۸ صفحه تألیف کرده است. او استاد دانشگاه در رشته تاریخ است و طی سال‌های اخیر سه کتاب دیگر را

نیز با عنوانی زیر منتشر ساخته است:

- توانبخشی اسطوره؛ علم جدید و یکو (۲۰۰۲)

- انجیل مسیحی و ریشه‌های یهودی آن؛ مطالعه انتقادی انجیل مرقس (۲۰۰۹)

- آیا برلین و پاد - روشنگری او، با همکاری روبرت وکلر (۲۰۰۳) مالی کتاب خوبی را در هفت فصل، یک مقدمه، مجموعه‌ای از یادداشت‌ها و یک نمایه عمومی تنظیم کرده است و آن گونه که لوییس ب ویلیامز - استاد دانشگاه دولتی کانکتیکات - می‌گوید، تنها به دلیل عنوانی که برای آن برگزیده و بر استفاده از اسطوره در تاریخ‌نگاری دلالت می‌کند، از سوی مورخان مورد بی‌تجھی قرار گرفته است. کتاب مالی البته پیچیده و بسیار پرمحتاست. او نه تنها ساختارهای یک «تاریخ‌نگاری جایگزین» را به دست



تیتوس لیویوس

افق تاریخ باقی است.^{۱۳}

اسطوره - تاریخ چیست؟

اسطوره - تاریخ یا میتیستوری^{۱۴} مفهومی است که در فرایند توضیف قدرت و اهمیت حکایات و ارجاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ حکایاتی که با بصیرت‌های فراتاریخی خود ما ادغام شده و هویت‌ها و تصاویر جمعی را بر می‌سازد. نمونه‌ای از این فرایند، تاریخ تکوین و توسعه کشور کاناداست که بر اساس مجموعه‌ای از داستان‌ها و نمادها - از جمله فضای بومی، قهرمانی سازندگان، آئین‌ها و فرقه‌های مربوط به اسکاندیناوی، تقوق انگلوساکسون‌ها و... بی‌ریخته شده. همین امر در خصوص سایر مباحث تاریخی نیز صادق است. بهویله در شکل گیری فرهنگ‌ها و کشورها، اسطوره - تاریخ چنان در هم آمیخته که گاه نمادهای اساطیری شالوده یک تاریخ رسمی را تشکیل می‌دهند. آن گونه که پل ریکور می‌گوید، در

اشترواوس اسطوره را به مثابه زبان می‌داند زیرا
همان طور که ساختار زبان در ناخودآگاه متکلمین به
آن زبان رسوخ کرده، اسطوره‌ها نیز از یک ساختار
زیربنایی برخوردارند که در صورت ظاهرشان
منعکس نیست و راویان اساطیر نیز از آن بی‌خبرند



اوهر

دیگر واقعیات تاریخی است که صرفاً محصول ذهن بشری هستند. در جای دیگر مالی عنوان می‌کند که علی‌رغم همه این امتیازات، اغلب اسطوره - تاریخدانان، عمیقاً نسبت به سوء استفاده از اسطوره و تاریخ برای اهداف سیاسی آگاهی دارند. سوراخانه اما، نه آن‌ها و نه نویسنده کتاب - زورف مالی - به قدر کفايت توضیح نمی‌دهند که علت وقوع این سوءاستفاده‌ها چیست؟ مالی البته در خصوص آراء - بالقوه یا بالفعل - خطرناک متفکرانی مثل ماکیاولی، نیجه، و ناسیونال سوسیالیست‌های مثل «ومناتیک‌ها» توضیح می‌دهد. همانان که با تسیلم محض به اسطوره، به جای آن که به خلق اسطوره - تاریخ بپردازند؛ تاریخ اسطوره‌ای را برساختند (ص ۲۲۷). و از «امپریالیست‌های هنرشناسی» سخن می‌گوید که «اسطوره را به تصرف خویش درآورده‌اند» (ص ۲۷۶) و در جهت مقاصد سیاسی خویش دوباره فعالش نموده‌اند. اما وجه نمایز این افراد از اسطوره - تاریخدانانی مثل بنیامین به درستی

می‌دهد، بلکه در مواجهه با فعل «مدون» تاریخ، امکانات و احتمالات جالب پیش رو قرار داده و در خصوص استفاده از تاریخ در سیاست، به طرح پرسش‌هایی چالش برانگیز مبادرت می‌ورزد.

شاید بتوان گفت نقطه مرکزی و محور اصلی کتاب، بازیافت و بازتأثیر نظرات آن دسته از مورخانی است که ارزش اسطوره در تاریخ را به رسمیت شناخته‌اند.

از نظر مالی، تاریخ‌نگاری تنها داستان پیشرفت از اسطوره به علم نیست بلکه بسی بیش از آن، تاریخ‌نگاری حرکتی آغازین به سوی یک دیدگاه پوزیتیویستی است که با کسانی همچون هرودت، لیوی^۱ و ماکیاولی آغاز شد و با کسانی مثل ویکو^۲ و زوله میسله^۳ به اسطوره بازمی‌گردد. این بازگشت، در آثار اسطوره - تاریخدانانی^۴ مثل یاکوب بورکهارت^۵، اکی واربورگ^۶، ارنست کانتوروویس^۷ و والتر بنیامین^۸ به ترکیب اسطوره و تاریخ منجر می‌گردد.

با این اشاره، نویسنده فصل اول کتاب خویش را با این عنوان آغاز می‌کند: «جایی که اصطلاحات آغاز می‌شوند: اسطوره، تاریخ و اسطوره - تاریخ. این فصل ۳۵ صفحه است و طی آن مالی توضیح می‌دهد که میتیستوری (اسطوره - تاریخ)، معادل و هم‌ترتاز زیبایی شناسی مدنسیسم است که «اسطوره را به مثابه نظم آغازین در تاریخ و در زندگی بشر به رسمیت می‌شناسد» (ص ۱۱). مدنسیست‌ها را رهایی مفاهیم تجدیدطلبانه تاریخ به این دریافت رسیدند؛ مفاهیمی که بر این پیش‌فرض استوار شده بود که هرچه که به لحاظ تاریخی قدیمی‌تر است، ابتدایی و غیرعقلانی نیز هست (ص ۱۲). این دیدگاه تمامی اسطوره‌ها، از تمامی اعصار را برابر، قابل فهم و مفید می‌پندشت. اما اسطوره، تاریخدانان این شیوه را جهت تفسیر تقاضانه اسطوره مورد استفاده قرار دادند. اسطوره‌ها - به مثابه مجموعه عقاید یک گروه از مردم - مدخلی دو به جهان‌بینی‌های مختلف را در اختیار مورخان قرار می‌دهند. این ورودی به خود انگاره‌ها، ترس‌ها و امیدهای همه اعضای یک جامعه - اعضای عادی و نخبگان - راه می‌یابد. برای یک اسطوره - تاریخدان علیت باور مثل بنیامین، اسطوره‌ها در عین حال از شرایط عادی است پرده بر می‌دارند که خود الهام‌بخش خلق آن‌ها بوده‌اند. علاوه بر آن، به واسطه گونه‌ای آگاهی از تداوم اسطوره‌های کهن در اعمال مدون، اسطوره‌ها به افراد مدون یاری می‌رسانند که خویشن را بهتر بشناسند. درواقع، بر اساس نظرات ویکو و بورکهارت، اسطوره‌ها مورخان را قادر می‌سازند که به «حقیقت» تزدیک شوند و به «حدودی از یقین» دست یابند (ص ۱۲۴). و این بسی بهتر از

اسطوره‌های نیمه‌تاریخی عبارت است از تحول و تکامل حوادث و وقایع ابتدایی و همچنین شرح کارهای فوق العاده‌ای که به دست آدمیان زورمند انجام گرفته و اندک اندک شاخ و برگ یافته و به صورت داستان‌هایی پر از عجایب و غرایب درآمده‌اند

سویه‌های تاریخ‌نگاری

اسطوره گاه به ظاهر، حوادث تاریخی را روایت می‌کند
اما آن چه در این روایت‌ها مهم است، صحت تاریخی آن‌ها
نیست بلکه مفهومی است که شرح این داستان‌ها برای
معتقدان آن‌ها دربردارد

غربی وارد کرد. میشله، ویکو را یگانه استاد خویش می‌نامید و آثار وی را به زبان فرانسه ترجمه می‌کرد. او به تبع استاد خویش معتقد بود که ما می‌توانیم تاریخ را در کنیم، زیرا تاریخ برساخته انسان‌هاست.
اما نویسنده کتاب، در مورد ویکو (۱۶۶۸ - ۱۷۴۴) نظرات او پیرامون ماهیت شناخت تاریخی و ارتباط بررسی تاریخ و خودشناسی را به تفصیل بازگفته و دیدگاه ساختارگرایانه او را بازم‌نمایید. ویکو می‌گوید مردم از طریق اسطوره‌ها که آن‌ها را حقایق ادبی فرض می‌کنند، تلاش می‌کنند تا جهانشان را تشریح کنند. اسطوره‌ها زیربنای زبانشان، نهادهایشان، قوانین و آرمان‌هایشان را تشکیل می‌دهد.^۵

فصل سوم با عنوان «باکوب بورکهارت: اسطوره - تاریخدان»^۶ صفحه ۴۲ اساست و یکسره به بورکهارت اختصاص یافته. بورکهارت، در کنار ژان ژورس، نیروی تخیل را در تاریخ‌نگاری دخالت می‌داد. او تا هنگام مرگ در سال ۱۸۹۷، بر فرهنگ اشرافی بال (در سویس) ریاست داشت و به گفته ماینکه «از هر متفکر دیگر عصر خویش روشن‌بین ترسود و بارها درباره خودکامگی‌های آینده هشدار داده بود». بورکهارت بارها در آثار خویش عنوان کرده بود که از ساده‌اندیشان و ساده‌سازان مخوف» در هراس است.^۷
ای ورابورگ: تاریخ به مثابه اسطوره‌شناسی کهن» عنوان فصل چهارم کتاب است که در ۵۴ صفحه به آراء و آثار ورابورگ پرداخته است.

و در فصل پنجم نقطه مقابل این نظریه یعنی «تاریخ به مثابه اسطوره‌شناسی جدید» از سوی ارنست کانترویس مطرح می‌شود. فصل شش یعنی «والتر بنیامین: تاریخ به مثابه اسطوره‌شناسی مدرن»^۸ صفحه است. والتر بنیامین نظریه‌پرداز بزرگ آلمانی با دیدگاه‌هایی کاملاً نو و غافلگیر کننده در مسائل اجتماعی، تاریخ، فلسفه، زیبایشناوی و هنر، در نیمه نخست قرن بیستم می‌درخشد. او از دیدگاهی کاملاً روش و آزاد ما بین نوکانتی‌ها، نئومارکسیست‌ها و لیبرال‌ها سخن می‌گفت اما هیچ‌گاه تلقی مشخص به هیچ یک از این گرایشات نشان نداد. در عرصه نگرش تاریخی و تاریخی‌ترگری، او بر این باور بود که تاریخ یک انگاره مجرد و مشخص که بازتابی از واقعیت باشد نیست؛ از این نظر او کاملاً هگلی می‌اندیشید. پنداشت او مؤبد این نکته بود که ما تنهای می‌توانیم شناختی منحصر به فرد و خصوصی از واقعیت پیرامونی و بیرونی داشته باشیم و این واقعیت می‌باید با انحصاراتی عام که برای همگان همچون شناهای قابل تشخیص باشد، پذیرفته شود تا به صورت علم درآید و این همان اسطوره مدرن است که در تاریخ تجلی کرده است.

و بالآخره فصل هفت «تاریخ به مثابه واقعیت مثالین»^۹: درسی از جویس»

روشن نیست. او می‌خواست یک اسطوره از یک عدن دموکراتیک و مساوی طلب را در کنش سیاسی جناح چپ به کار گیرد. در پایان، مالی نتیجه می‌گیرد که جهت اجتناب از استفاده منفی از اسطوره‌ها و فهم بهتر آن‌ها، انجام همه این کارها ضروری است چرا که «استوره‌ها اگر مورد تشخیص و تأیید قرار گیرند، بی‌اثر خواهند شد» (ص ۲۵۲) و بدان علت که مورخان «نه در برابر سنت اسطوره‌ای، که... بر سر آن به مبارزه پیردازند» (ص ۲۸۱) تا از پیروزی اسطوره‌های انسان‌باوارانه مطمئن شوند. بی‌تردد فرانخوانی مالی جهت به رسمیت شناختن اسطوره‌ها، بسیار بهتر از جدی قلمداد کردن آنهاست؛ همان کاری که بسیاری از مورخان در آلمان نازی بدان مبادرت ورزیدند. همچنین این طرح مالی که «مورخان معاصر باید به شرح و بسط اسطوره‌ها روی آورند و نه حذف و محو آنها» (ص ۸)، پیشنهادی مهم و تأمل‌برانگیز است. همان‌گونه که مالی توضیح می‌دهد، چه سیا یک اسطوره، تاریخ جدید قادر به حل پرسش‌هایی باشد که بسا مدرنیست‌ها پیرامون احتمال حقيقة تاریخی مطرح می‌کنند. یا کار «مورخان فرهنگی جدید» را - که این چنین مورد ستایش او هستند - تحت حمایت قرار دهد. همچنین این اسطوره - تاریخ می‌تواند مورخان ناسیونالیسم - و ضمناً ایضاً ناسیونالیست - را به تفسیر پیچیده‌تری از «سنت» رهمنون ساخته و این نظرکار را که سنت صرفًا «ایداع» نخیگان جهت کنترل توده‌های است، به کناری نهاد. سرانجام، میتیستوری (استوره - تاریخ) شاید بتواند پاسخ یک پرسش کلیدی را بیز به دست دهد: آیا زیردست‌ها سخن می‌گویند؟ مطمئناً سخن خواهد گفت اگر اسطوره‌هایشان از سوی مردمی که آن‌ها را برساخته‌اند، جدی قلمداد شود در حقیقت، هدف اصلی نویسنده در جای جای کتاب آن است که ابتدا به رابطه مهم اسطوره و تاریخ پردازد، و سپس نقش بنیادین اسطوره در تاریخ‌نگاری و در برساختن هویت‌های فردی و جمعی را به نمایش بگذارد. فصل دوم کتاب «جاده ویکو: از لیوی تا میشله»^{۱۰} نام دارد. در این جا خواننده با تیتوس لیویوس^{۱۱}، تاریخ‌نگار رومی (ح ۶۴ م.ق. - ح ۱۲ میلادی) آشنا می‌شود. سبک نگارش او، مختصات ۳۵ اثر باقی مانده از ۱۴۲ اثر وی، و عقیده جالب او در این مورد که رویدادهای تاریخی نباید در قالب اصطلاحات سیاسی تبیین شوند و نباید برای جانبداری از ایدئولوژی‌های سیاسی زمانه مورد استفاده قرار گیرند از نکات جالب این بخش است. در خصوص میشله (۱۷۹۸ - ۱۸۷۴) مالی می‌گوید او نخستین کسی بود که واژه رنسانس را در مورد یک دوره تاریخی خاص به کار برد، نخستین اثر مدرن را درباره جادوگری نوشت و جامبایستا ویکو را به جریان اصلی تقدیر

هدف اصلی نویسنده در جای جای کتاب آن است که ابتدا به رابطه مهم اسطوره و تاریخ بپردازد، و سپس نقش بنیادین اسطوره در تاریخ‌نگاری و در برساختن هویت‌های فردی و جمعی را به نمایش بگذارد

سویه‌های تاریخ‌نگاری

- فکر روز، تهران: چاپ اول ۱۳۷۸، صص ۷۰ و ۶۸.
۵. سایه‌های شناور شده، بهمن سرکارانی، نشر قطره، تهران: چاپ اول ۱۳۷۸، ص ۲۶.
۶. واژگان توصیفی ادبیات، همان، ص ۲۱۹.
7. mytheme
۸. فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی، همان، ص ۶۰.
9. Pan Babylonism
۱۰. بهار، مهرداد: از اسطوره تاریخ، نشر چشم، تهران: چاپ اول ۱۳۷۶، ص ۳۹۶.
- و بعد
۱۱. آموزگار، زاله تاریخ اساطیری ایران، انتشارات سمت، تهران: چاپ اول ۱۳۷۴، ص ۴.
۱۲. زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ در ترازو، انتشارات امیرکبیر، تهران: چاپ سوم ۱۳۷۰، ص ۳۳ و ۳۲.
13. Mythistory
۱۴. ریکور، بل، «استوره و تاریخ» ترجمه و تلخیص علیرضا رضایت، در: اطلاعات حکمت و معرفت، سال دوم، شماره ۱۲، اسفند ۱۳۷۴، ص ۴.
15. Euhemerus
16. brudl Lucien levy
17. gambattista vico
18. Jules Michelet
19. Myistorians
20. Jacob Burkhardt
21. Aby Warburg
22. Ernst kantorowicz
23. Walter Benjamin
24. Titus livius
۲۵. وارینگتن، مارتی هیوز، پنجاه متفسک کلیدی در زمینه تاریخ، ترجمه محمدرضا بدیعی، انتشارات امیرکبیر، تهران: چاپ اول ۱۳۷۸، ص ۵۰۵.
۲۶. برای اطلاع بیشتر و جامیتر از آرای بورکهارت و زمانه و هم‌عصران وی رجوع کنید به: آگاهی، جامعه، هـ، انتیورات هیوز، ترجمه عزت‌الله فولادوند، سازمان انتشارات و آموزش انتساب اسلامی، تهران: چاپ اول ۱۳۶۹، صص ۳۸، ۳۷، ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۳۶۰.
- راه فروپسته، اندیشه اجتماعی در فرانسه در سال‌های درماندگی از ۱۹۳۰ تا ۱۹۶۰، هـ.
- انتیورات هیوز، ترجمه عزت‌الله فولادوند، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران: چاپ اول ۱۳۷۳، ص ۲۸.
- نام دارد. در اینجا نویسنده عنوان می‌کند که در رمان‌های جویس، عناصر کلاسیک مسیحی و افسانه‌های عبری برای آفرینش اسطوره‌ای جهان به هم پیوند می‌خورد. جیمز جویس (۱۸۸۲ – ۱۹۴۱) داستان نویس مشهور ایرلندی بود که در چهربادی‌های لفظی خویش همواره یونگ را مد نظر داشت و داستان‌های وی – به دلیل درهم‌آمیزی اسطوره و واقعیت، و قائل شدن به اسطوره‌های مشترک فیما بین اقوام و ملت‌های مختلف – همواره مورد توجه مورخان قرار می‌گرفت.
- نویسنده در تألیف کتاب خویش از صد اثر بهره گرفته که در بخش کتاب‌شناسی می‌توان بدانها دست یافت. از جمله این آثار عناوین زیر حائز اهمیت‌اند:
- زایش ترازدی (نیچه): اسطوره دولت (ارنست کاسیرر): عصر کنستانتین بزرگ (یاکوب بورکهارت): بیداری فنیگان‌ها (جیمز جویس): خرد مردم باستانی (فرانسیس بیکن): سرزمین غربی و دیگر نوشه‌ها (تی. اس. الیوت) دانش پژوهی قرون وسطی (هلن دامیکو): اسطوره (هانس بلومبرگ): تاریخ انقلاب فرانسه (ژوله میشله): دل تاریکی (زوزف کنراد): چهره‌های فرهنگ (کارل بوخیم وینتراب): قلمروهای ذهن (پیر نورا): مجموعه اثار (والتر بنیامین) و ...
- همچنین نویسنده‌گان بسیاری، کتاب مالی را در فهرست منابع پژوهش خویش ذکر کرده‌اند. از جمله این آثار عبارتند از:
- اسطوره‌های سیل در چین کهنه (مارک ادوارد لویس): فیلم و تاریخ (مارتین م. وینکلر): نمودارهای تجلی مسیح: فرار از زندان در «اعمال رسولان» از کتاب مقدس (جان بی. ویور) اسطوره – تاریخ: برساختن یک تاریخ‌نگاری مدرن کتاب مهمی است. مورخان و متقدان بسیاری به تحلیل آن پرداخته‌اند و نشریات معتبری درباره آن مطلب نوشته‌اند. یک مقاله خوب و فاصلانه در نشریه سازمان تاریخ‌نگاران آمریکا – منتشره در انتشارات دانشگاه ایلینویز – به چاپ رسیده و یک نقد علمی مفید نیز در مجله Jstor قابل دسترسی است.
- پی‌نوشت**
- Webster's New collegiate Dictionary . M.A., G8C. Merriam Co. 1975.
 - رضایی، عرب علی واژگان توصیفی ادبیات (انگلیسی – فارسی)، فرهنگ معاصر، تهران: چاپ اول ۱۳۸۲، ص ۲۱۷.
 - Myth or Mythos که معنای «استوره» از آن اخذ شده است.
 - مقدادی، بهرام، فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی از افلاطون تا عصر حاضر، انتشارات